

واکاوی الگوی اقتصادی بانک جهانی؛ "چارچوب میان مدت هزینه" در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی با تأکید بر تجربیات اجرای آن در کشورهای منتخب

ابراهیم مولائی جم*، توکل حبیب‌زاده**، مجید فشاری***

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۳

عدم تحقق حق‌های اقتصادی اجتماعی^۱ و فقر شدید که در سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی جامعه بشری با آن روبروست از عدم اتخاذ تصمیمات بهینه اقتصادی نشأت می‌گیرند این در حالی است که امروزه حق بر توسعه و حکمرانی مطلوب بعنوان راهبردی ارزشمند جهت کاهش فقر و توسعه، در عرصه بین‌المللی بعنوان ضابطه‌ای هنجاری شناخته می‌شوند. بر این اساس این موضوع در چارچوب تکلیف منشور سازمان ملل متحد دائر بر همکاری بین‌المللی جهت حصول توسعه اقتصادی و اجتماعی نیازمند تدبیر جامعه جهانی بوده در این راستا الگوی اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه توسط بانک جهانی^۲ به عنوان یکی از سازمانهای بین‌المللی فعال در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی که مبتنی بر اهداف منشور ملل متحد و اهداف خود، تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی و ملاً توسعه کشورها از طریق اصلاح مدیریت مالی بخش عمومی دنبال می‌نماید ارائه شده است زیرا حق‌های اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر اسناد حقوق بین‌الملل در حوزه حقوق بشر، در زمره تعهدات «یجابی»، «هزینه بر»، «وابسته به امکانات»، «تدریجی» و «برنامه‌ای» می‌باشند بر این اساس تحقق آن‌ها مستلزم «برنامه ریزی» و «تخصیص منابع مالی» بوده بنابراین اجرای این حق‌ها از طریق

^۱ MTEF

* دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

** دانشیار دانشگاه امام صادق ع، تهران، ایران (نویسنده مسوول). (thabibzadeh@gmail.com)

*** استادیار دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

^۲ Social and Economic Rights

^۳ World Bank

Archive of SID

مکانیزم «برنامه مالی دولت» عملیاتی می‌گردد. این الگو با حمایت بانک جهانی در بیش از ۱۳۰ کشور جهان، اجرا شده است. بنابراین هدف تحقیق حاضر این است؛ اولاً مشخص نماید این الگوی اقتصادی با کدامیک از منابع حقوق بین‌الملل تطابق دارد، ثانیاً با بررسی نتایج حاصل از اجرای این مدل در برخی کشورهای شمال و جنوب تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی به روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تبیین شود.

نتایج تحقیق حاکی است که الگوی اقتصادی بانک جهانی "چارچوب میان مدت هزینه" به لحاظ مبنای حقوقی به عنوان مصداقی از "حقوق نرم"^۴ در چارچوب اعلامیه حق بر توسعه سازمان ملل متحد قابل ارزیابی است لیکن دولت‌ها بر اساس نظم هنجاری ناشی از حقوق بشر غایت‌گرا بدان ملتزم هستند زیرا فقر معایر حقوق بشر بوده و کرامت انسانی را نقض می‌کند لذا پیش شرط تحقق آن؛ اتخاذ سیاست‌های اقتصادی سالم و شفاف، سرمایه‌گذاری‌های عمومی مناسب و توسعه همه جانبه به ویژه در مسائل مربوط به آموزش، بهداشت، سلامت، زیرساخت‌ها، توسعه بخش کشاورزی، ایجاد فرصت‌های بیشتر برای کار آبرومند، مدیریت درست امور اداری و... که همگی درگرو مدیریت صحیح منابع عمومی در اختیار دولت‌ها است. همچنین چارچوب میان مدت هزینه از سوی کشورها به عنوان ابزار بهبود عملکرد مالی در نظر گرفته شده زیرا این الگو اقتصادی بین دو مولفه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با «برنامه مالی دولت» یک چارچوب ارتباط‌دهنده ایجاد می‌نماید این درحالی است که غالب الگوهای ارائه شده در رابطه با برنامه مالی دولت فاقد این سیستم ارتباط‌دهنده هستند بنابراین اجرای این مدل از سوی کشورها از یک سو سبب نظام‌مند شدن قدرت سیاسی در امر هدایت منابع عمومی و تحقق حکمرانی مطلوب^۵ بوده و از سوی دیگر در راستای حقوق بین‌الملل غایت‌گرا می‌تواند اهداف متعالی اسناد حقوق بشری در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی را تأمین نماید.

طبقه‌بندی K19 ، K00:JEL

واژه‌های کلیدی: حق‌های اقتصادی و اجتماعی، چارچوب میان مدت هزینه، اقتصاد بخش عمومی، بانک جهانی.

^۴ Soft Law

^۵ Good Governance

۱- مقدمه

توجه به رشد و پیشرفت اقتصادی به طور نظام‌مند، سابقه‌ای چند صد ساله دارد و با انتشار کتاب ثروت ملل اسمیت در سال ۱۷۷۶ فراگیر شد. در واقع، بیشتر مکاتب و نظریه‌های اقتصادی پیرامون همین مساله، شکل گرفته‌اند که هر یک از نگاهی خاص، منابع و عوامل رشد یا راز پیشرفت جوامع را معرفی کرده‌اند؛ در زمانی، طبیعت و کشاورزی، روزگاری تجارت و در برهه‌هایی نیز تقسیم کار، تشکیل سرمایه فیزیکی، دخالت دولت، توسعه‌ی منابع انسانی و ... به عنوان عامل اصلی رشد و پیشرفت تعیین و تصریح شده است؛ در عین حال، مهمترین دستاوردهای علمی پژوهش‌های نوین، نقش انسان در فرآیند تحولات اقتصادی را به عنوان مؤثرترین عامل معرفی می‌کنند (Naderi, 2014). سیاست‌های اقتصادی سالم و شفاف، سرمایه‌گذاری‌های عمومی مناسب و توسعه همه جانبه بویژه در مسائل مربوط به آموزش، بهداشت، سلامت، زیرساخت‌ها، توسعه بخش کشاورزی، ایجاد فرصت‌های بیشتر برای کار آبرومند، حمایت از حقوق بنیادین بشری^۶ و بطور کلی تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی در گرو مدیریت صحیح منابع عمومی در اختیار دولت‌ها است و به همین دلیل مهم در تحولات اخیر حقوق بشر^۷ با آغاز عصرجدیدی در رویکرد حقوق بین‌الملل به تکالیف دولت‌ها در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی روبرو هستیم به طوریکه "حق دادخواهی"^۸ از تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی در مراجع ملی و بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. این رسالت حقوق بشری ریشه در اهداف اقتصادی مندرج در منشور سازمان ملل متحد^۹ دائر بر تعهد به همکاری بین‌المللی تابعین حقوق بین‌الملل به منظور حصول توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد و بر مبنای همین تکلیف، بانک جهانی به عنوان یکی از تابعین حقوق بین‌الملل و از سازمان‌های بین‌المللی فعال در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی در راستای اهداف بانک و تعهدات بین‌المللی خود بویژه اعلامیه جهانی سازمان ملل متحد تحت عنوان "حق بر توسعه"^{۱۰} و نظریه حکومت‌داری مطلوب، اصلاح مدیریت مالی بخش عمومی را به منظور تحقق حق‌های

⁶ Fundamental Human Rights

⁷ Human Rights

⁸ Litigation Right

⁹ Charter of the United Nations

¹⁰ Declaration on the Right to Development

اقتصادی و اجتماعی، پایان دادن به فقر، تقویت کامیابی مشترک و ملاً توسعه کشورها دنبال می‌نماید.

حقوق‌های اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر اسناد حقوق بین‌الملل در حوزه حقوق بشر، در زمره تعهدات ایجابی^{۱۱}، هزینه‌بر^{۱۲}، وابسته به امکانات^{۱۳}، تدریجی^{۱۴} و برنامه‌ای^{۱۵} می‌باشند بر این اساس تحقق آن‌ها مستلزم برنامه‌ریزی و تخصیص منابع مالی بوده بنابراین اجرای این حق‌ها از طریق مکانیزم برنامه مالی دولت عملیاتی می‌گردد از این‌رو بانک جهانی الگوی اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه^{۱۶} را ارائه نموده است که هدف از اجرای آن در اقتصاد بخش عمومی، سازگار نمودن عملکرد برنامه مالی دولت^{۱۷} با اهدافی نظیر رشد، ثبات اقتصادی، شفافیت، انضباط مالی و رفاه اجتماعی است. به عبارتی موجز در یک نظم افقی؛ توسعه، حکمرانی مطلوب، تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی به هم وابسته‌اند و این گزاره‌ها در "برنامه مالی دولت" که متضمن برنامه‌ریزی و تخصیص منابع مالی است با هم تلاقی دارند.

از آنجا که تاکنون به ارتباط چارچوب میان مدت هزینه در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر اجرای این الگوی اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و نوظهور پرداخته نشده است، تحقیق حاضر به این سوال می‌پردازد که این الگوی اقتصادی با کدامیک از منابع حقوق بین‌الملل^{۱۸} تطابق دارد؟ ثانیاً با بررسی نتایج حاصل از اجرای این مدل در کشورهای منتخب شامل کشورهای آفریقایی جنوبی^{۱۹}، آلمان^{۲۰}، کره جنوبی^{۲۱} و ویتنام^{۲۲} تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی به روش تحلیلی - توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تبیین گردد. در پاسخ به این سوال‌ها ضمن بررسی الگوی اقتصادی در تطابق با منابع حقوق بین‌الملل از منظر الزام کشورها به رعایت آن، با تأکید بر تجربیات اجرای مدل در

¹¹ Affirmative Obligations

¹² Costly Obligations

¹³ Dependent on Facilities Obligations

¹⁴ Gradual Obligations

¹⁵ Program Obligations

¹⁶ MTEF

¹⁷ Budget

¹⁸ International Law Sources

¹⁹ South Africa

²⁰ Germany

²¹ South Korea

²² Vietnam

کشورهای مذکور و چگونگی عملکرد آن در اقتصاد بخش عمومی پرداخته می‌شود. برای این منظور مطالعه حاضر در هشت بخش سازماندهی شده است: در بخش دوم به مبانی نظری موضوع پرداخته شده و در قسمت سوم به مبانی حقوقی موضوع پرداخته می‌شود. قسمت چهارم دربرگیرنده خاستگاه الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه بوده و در بخش پنجم برنامه مالی دولت در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی تبیین می‌شود. در قسمت ششم جنبه تمایز و نوآوری تحقیق بیان شده و در ادامه تجربیات کشورها در خصوص اجرای الگوی اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه ارائه می‌شود. در بخش هشتم و پایانی مقاله نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها و سیاستی پرداخته می‌شود.

۲- مبانی نظری موضوع

در این بخش به مروری بر مفاهیم حق بر توسعه و ارتباط آن با حکمرانی مطلوب پرداخته می‌شود.

۲-۱- مفهوم حق بر توسعه و ارتباط آن با حکمرانی مطلوب

در این قسمت مفهوم حق بر توسعه، ارتباط متقابل این حق و حکمرانی مطلوب که جزیی از متغیرهای تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی هستند ارائه می‌شود.

۲-۲- مفهوم حق بر توسعه

اعلامیه سازمان ملل متحد در رابطه با حق بر توسعه (۱۹۸۶) صراحتاً حق بشری توسعه را تأیید نمود. این اعلامیه حق مذکور را این‌چنین تعریف کرده است: حق توسعه یکی از حقوق جدایی‌ناپذیر بشری است که از رهگذار آن تمام انسان‌ها و مردمان استحقاق آن را دارند که در توسعه‌ای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تحقق می‌یابد، مشارکت جسته، سهیم گشته و بهره‌مند گردند. همچنین، حق بر توسعه، به معنی تحقق کامل حق مردمان بر تعیین سرنوشت می‌باشد، حق جدایی‌ناپذیری که مطابق مقررات مرتبط میثاقین حقوق بشر^{۲۳}، شامل حاکمیت کامل بر تمام ثروت‌ها و منابع طبیعی آنها می‌شود (United Nations Declaration on the Right to Development, 2019).

²³ Human Rights Covenants

حق بر توسعه به عنوان یک حق بشری غیرقابل انتقال معرفی شده است. ارتباط حقوق بشر و توسعه غیرقابل انکار بوده و توسعه فرآیندی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامع است که با هدف بهبود مستمر رفاه کل جامعه و همه افراد براساس مشارکت فعال، آزادانه و هدفمند آنان هم در انجام و هم در توزیع عادلانه مزایای ناشی از آن تحقق می‌یابد. بدین روی، تمام افراد استحقاق آن را دارند که از توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بهره‌مند بوده و در آن مشارکت داشته باشند؛ به گونه‌ای که همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بتوانند به طور کامل مورد شناسایی قرار گیرند. بنابراین در یک تعریف جامع توسعه حقوق بشر مستلزم توسعه کامل جوامع بشری در کلیه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. براین اساس همه انواع حقوق بشر یک کل یکپارچه، وابسته به یکدیگر و تقسیم‌ناپذیر را تشکیل می‌دهند که متضمن فرآیندی مشارکتی در جهت توسعه و اجرای حقوق بشری است که در آن تمام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قابل تحقق باشد (Vijeh & Ketabi Roudi, 2018).

در برخی اسناد بین‌المللی به این حق اشاره شده و بسیار مورد بحث واقع شده، با وجود این، معنای کم‌وبیش مبهمی دارد.

حق بر توسعه، یکی از چالش‌برانگیزترین و مورد نزاع‌ترین مفاهیم در حوزه‌های حقوق بشر و همچنین توسعه به شمار می‌رود. ظهور این حق بر می‌گردد به تقاضای دولت‌های در حال توسعه در دهه ۷۰ میلادی مبنی بر اینکه نظم نوین اقتصادی در جامعه‌ی بین‌المللی ایجاد و در آن نیازهای توسعه‌ی دولت‌های در حال توسعه نیز مورد توجه قرار گیرد. دولت‌های توسعه‌یافته در مقابل با این درخواست به شدت مخالفت نمودند و باعث شدند این مفهوم برای یک دهه از دستور کار مجمع عمومی^{۲۴} خارج بماند. با تصویب اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حق بر توسعه در سال (۱۹۸۶) و شناسایی این حق به عنوان حقی بشری در اعلامیه وین و برنامه عمل سال (۱۹۹۳)، بحث در مورد ایجاد نظم نوین اقتصادی جان تازه‌ای به خود گرفت و کشورهای در حال توسعه به موجب آن بر توسعه‌ی منصفانه در پرتو همکاری بین‌المللی کوبیدند. بازگشت حق بر توسعه به صحنه‌ی بین‌المللی به عنوان حقی مرکب، که در گستره‌ی خود مقوله‌های متفاوت حقوق بشر را ترکیب می‌کند؛

²⁴ United Nations General Assembly

میثاق حقوق مدنی و سیاسی^{۲۵} از یک طرف و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۲۶} از طرف دیگر از این موضوع حکایت می‌کند که جامعه‌ی بین‌المللی هر روز به ارتباط بین حقوق و توسعه بیشتر ایمان می‌آورد (Arjun et al., 2005). اعلامیه (۱۹۸۶) به صورت خاص تصریح می‌کند که تحقق حق بر توسعه، برابری فرصت‌ها را در دسترسی به منابع اساسی، آموزش، خدمات سلامت، تغذیه، اشتغال و توزیع عادلانه‌ی درآمد و همچنین اصلاحات اجتماعی و اقتصادی مناسب و ریشه‌کنی تمام نابرابری‌های اجتماعی امکان‌پذیر می‌نماید. به عبارت دیگر، حق بر توسعه، حامل عناصر متفاوتی می‌باشد، عناصری از قبیل حق بر غذا، حق بر سلامت، حق بر مسکن و سایر حق‌های اقتصادی و اجتماعی به همراه رشد نرخ معیارهایی اقتصادی چون مصرف سرانه، تولید و اشتغال (Ghosh, 2005).

۲-۳- ارتباط حق بر توسعه با حکمرانی مطلوب

در اواخر دهه ۸۰ میلادی بانک جهانی اعلام نمود که به شرطی به توسعه اقتصادی کشورها کمک می‌کند که آنها در پیاده‌سازی سیاست‌های خود پاسخگویی بیشتری داشته باشند و شفاف‌تر عمل کنند. در عمل، دولت‌هایی که در فرآیند اعطای وام مشارکت می‌کنند، اعطای وام را مشروط به انجام پروژه‌هایی در کشورهای دریافت‌کننده‌ی وام می‌کنند که به صورت غیرمستقیم جنبه‌ی حقوق بشری دارند (برای مثال، از طریق تأسیس مؤسسات، تقویت سازوکارهای مشارکت عمومی، تسهیل دسترسی به عدالت، تقویت نظام کیفری)، بدون اینکه اعلام کنند ارتقاء حقوق بشر هدف آنان است. پروژه‌هایی که تحت عنوان حکمرانی مطلوب انجام می‌شوند، تلاش می‌کنند ارتباط بین دولت و مردم را از طریق غیرمتمرکز نمودن نهادهای دولتی، مدرن کردن دولت و انتظار پاسخگویی بیشتر از آن قوی‌تر کنند، همچنین سعی می‌کنند ساختارهایی ایجاد کنند که مشارکت بین دولت و مردم بیشتر شود. حکمرانی مطلوب و حق بر توسعه دو مفهوم تنگاتنگی هستند که با هم گره خورده‌اند؛ فقدان حکمرانی مطلوب به شدت توسعه پایدار^{۲۷} را محدود کرده و در بدترین حالت مانع آن خواهد شد. پروژه‌های اعطای وام از سوی کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه که تحت عنوان حکمرانی مطلوب انجام

²⁵ International Covenant on Civil and Political Rights

²⁶ International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

²⁷ Sustainable Development

می‌شوند به طور مشخص شامل فعالیت‌هایی برای ارتقاء همه حق‌های بشر، اعم از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌شود. برای مثال، دولت هلند اعطای وام به گواتمالا^{۲۸} را مشروط به چنین شرط‌هایی نموده بود (Stokke et al., 1999).

شایان توجه است که حکمرانی مطلوب نیز به مانند حق بر تو سعه از ابهامات زیادی برخوردار است. معیارهایی برای تعریف آن وجود ندارد و هیچ‌هنگام بین‌المللی که به موجب آن دولت‌ها بتوانند عدم رعایت حکمرانی مطلوب را احراز کنند، ایجاد نشده است. بنابراین، بسیار دشوار است که دولتی را محکوم به عدم رعایت حکمرانی مطلوب بنماییم. برخلاف حقوق بشر که سازوکار مسئول اعلام کردن دولت خاطی در آن مشخص است؛ بویژه اینکه امروزه اقدامات دولت‌ها در ایفای تعهدات بین‌المللی بمنظور تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی با معیار علمی مورد سنجش و ارزیابی بوده و قابل دادخواهی است.

به عبارت دیگر، هدف حکمرانی مطلوب این است که مشکلات مربوط به عدالت و برابری را در کشورهای در حال توسعه بهبود بخشد. مفهومی که هدفش دموکراتیک نمودن، حاکمیت قانون و در نتیجه توسعه می‌باشد و باعث گردیده مفاهیمی مثل دموکراسی و مدیریت دولت‌ها جنبه‌ای غیرسیاسی بگیرند و از طرفداران این مفاهیم در قبال اتهاماتی چون تضعیف حاکمیت دولت‌ها محافظت می‌کند. دستورکار حکمرانی مطلوب برای بخش خصوصی در امر توسعه نقشی اساسی قائل می‌شود. علاوه بر این، فرآیندی از توسعه را تضمین می‌کند که به موجب آن سرمایه‌گذاران بتوانند با خیال راحت سرمایه‌گذاری کنند و در کنار آن گوشه چشمی به حقوق بشر نیز داشته باشند. اما این ایده به طور مشخص چندان موفق نبوده است زیرا مشکلات حقوق بشری و فقر جهانی کماکان بیداد می‌کند (United Nations report, 2000).

در مجموع، اولویت‌بخشی به حکمرانی مطلوب راهبردی ارزشمند جهت کاهش فقر^{۲۹} و متعاقب آن توسعه می‌باشد. دبیرکل سابق سازمان ملل در این زمینه اظهار نموده که در صورتی که راهبرد توسعه با نظام حکمرانی مبتنی بر شفافیت^{۳۰}،

²⁸ Guatemala

²⁹ Poverty Reduction Policy

³⁰ Transparency

پاسخگویی^{۳۱}، حاکمیت قانون^{۳۲}، رعایت حقوق مدنی و سیاسی^{۳۳} و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۳۴} همراه نشود و همچنین دولت مربوطه کارآمد و پاسخگو نباشد، نتیجه چیزی جزء شکست این راهبرد نخواهد بود (Annan, 2005).

۳- مبانی حقوقی

۳-۱- ارتباط الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه با منابع حقوق

بین الملل

نظم حقوقی نوین بین المللی^{۳۵} علاوه بر منابع اصلی مندرج در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری^{۳۶}، بر منابع دیگری استوار است که از جمله می توان از اعمال یکجانبه کشورها و سازمان های بین المللی^{۳۷} یاد کرد. بدین ترتیب، از نظام منابع حقوق بین الملل می توان تقسیم بندی جدیدی ارائه نمود:

۳-۱-۱- منابع رسمی (ماده ۲۸ اساسنامه دیوان)

مطابق ماده ۲۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری منابع حقوق بین الملل تشریح گردیده است. این ماده متضمن واژه «منابع» نیست اما بخش عمده منابع حقوق بین الملل به این موارد اختصاص دارد. ماده ۲۸ در واقع بیان یک قاعده عرفی بین المللی^{۳۸} است. مطابق بند (۱) ماده ۲۸ اساسنامه منابع حقوق بین الملل عبارتند از معاهدات^{۳۹}، عرف^{۴۰}، اصول کلی حقوقی^{۴۱}، تصمیمات قضایی بین المللی^{۴۲} و دکترین^{۴۳} که راه های فرعی تعیین قواعد حقوقی هستند. ذکر منابع به ترتیب مقرر در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان، مبین سلسله مراتب هنجاری منابع^{۴۴} نیست. بدین معنا

31 Responsiveness

32 Rule of Law

33 Civil and Political Rights

34 Economic, Social and Cultural Rights

35 International Legal Order

36 Statute of the International Court of Justice

37 Unilateral Actions by Countries and International Organizations

38 The Customary International Law

39 Treaties

40 Custom

41 Basic Legal Principles

42 International Judicial Decisions

43 Doctrine of Law Scholars

44 The Normative Hierarchy of International Law Sources

که اعتبار هر قاعده مأخوذ به قاعده بالاتر نبوده و به لحاظ اعتبار و اثر حقوقی یکسان هستند (Ziai Bigdeli, 2007).

۳-۱-۲- منابع اساسی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی

بدیهی است حقوق بین‌الملل منصرف از منابع مندرج در ماده ۳۸ اساسنامه از منابع دیگر نیز بهره می‌برد که به واقع روح تمام قواعد و مقررات از آن منابع حکایت دارد. قواعدی که مبتنی بر نظم اخلاقی بوده و با توجه به تجربیات بشری طی قرن بیستم مورد توجه جدی است.

بریرلی^{۴۵} از اندیشمندان حقوق بین‌الملل در بیان مبنای اعتبار قواعد حقوق بین‌الملل معتقد است ارتباط میان حقوق و اخلاق بیش از تمایز آنهاست و مبنای نهایی یک تعهد حقوقی، محتوای اخلاقی آن است (Farzaneh, 2015). شناسایی ارزش‌های بنیادین متضمن حس عدالت عینی^{۴۶} در دهه‌های آخر قرن بیستم منجر به شناسایی منافع مشترک جامعه بین‌المللی و برآوردن نیازهای اساسی انسانی شده است. در این راستا یکی از اندیشمندان حقوق بین‌الملل معتقد است با توجه به این تحولات شاهد گرایشی اجتناب‌ناپذیر به سوی اجماعی هستیم که تجلی وجدان حقوقی جامعه بین‌المللی است (Elias, 1972). با عنایت به اینکه هدف نهایی حقوق بین‌الملل تنظیم روابط جوامع بشری و عهده‌داری برآوردن نیاز آحاد بشر از جمله تحقق عدالت است، در کنار منابع رسمی و نقش آنها در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل می‌توان قائل به نقش و جایگاه منابع اساسی نیز بود.

۳-۱-۳- جایگاه الگو اقتصادی "چارچوب میان مدت هزینه" در نظام منابع

حقوق بین‌الملل

اگرچه چارچوب میان مدت هزینه به عنوان مصداقی از حقوق نرم ابتناء بر یک سند الزام‌آور به مثابه یک قطعنامه یا معاهده ندارد و در چارچوب اعلامیه حق بر توسعه مصوب ۱۹۸۶ قابل ارزیابی است، لیکن از نظر اهداف واجد نسبیت مفهومی با منابع رسمی و اساسی حقوق بین‌الملل است. چراکه هدف از اجرای آن در ابعاد کلان، سازگار نمودن عملکرد برنامه مالی دولت با اهدافی نظیر رشد^{۴۷}، ثبات اقتصادی^{۴۸}،

⁴⁵ Brierley

⁴⁶ Objective Justice

⁴⁷ Economic Growth

⁴⁸ Economic Stability

شفافیت^{۴۹}، انضباط مالی^{۵۰} و رفاه اجتماعی^{۵۱} است و اجرای شاخص‌های آن از سوی کشورها می‌تواند موانع و چالش‌های توسعه نظیر عدم رشد اقتصادی و فقر را کنترل نموده و ملاً منجر به تحقق حق افراد در برخورداری از یک سطح کیفی زندگی گردد. بنابر این از آنجائی که هدف نهایی حقوق بین‌الملل تحقق روابط عادلانه در میان جوامع بشری است، چارچوب ارائه شده از سوی بانک جهانی که الگویی نوین از «برنامه مالی دولت» است، اولاً در تطابق با اسناد لازم‌الاجراء بین‌المللی نظیر منشور سازمان ملل متحد (ماده ۵۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۵۲} مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی است و ثانیاً مبتنی بر نظم اخلاقی با اهداف حقوق بشری است که تحت عنوان منابع اساسی حقوق بین‌الملل طی قرن بیستم ظهور و بروز داشته است

۴- خاستگاه الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه

اینکه الگو اقتصادی "چارچوب میان مدت هزینه" چگونه وارد ادبیات اقتصاد بخش عمومی کشورها شده حایز اهمیت است که به آن می‌پردازیم.

۴-۱- سازمان‌های بین‌المللی و حق‌های اقتصادی و اجتماعی

سازمان‌های بین‌المللی متعددی در سطوح جهانی و منطقه‌ای در متنوع‌ترین حوزه فعالیت‌های انسانی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... ظهور و بروز داشته و با اخذ شخصیت و صلاحیت حقوق بین‌المللی مجموعه قوانین حقوق بین‌الملل را توسعه بخشیده‌اند (Schermers, 1983). سازمان‌های بین‌المللی در خلال تلاش جدی خود از زمان تشکیل سازمان ملل متحد در پی تحقق آرمان‌های نوع بشر، مصوبات، قطعنامه‌ها و دستورالعمل‌های متعددی در دستیابی به عدالت داشته‌اند (Schermers, 2001). در طول نیم قرن گذشته، اثرات مفید و عملکرد سازمان ملل متحد در حمایت بین‌المللی از حقوق بشر و اتخاذ تدابیری در جهت حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... غیرقابل انکار است (Schermers, 2001). در حال حاضر عملکرد سازمان‌های بین‌المللی به طور قطع از رویکرد کلی سازمان ملل متحد جدا نبوده بلکه موجد ارتباط تنگاتنگ با قطعنامه‌های صادره است

⁴⁹Transparency

⁵⁰ Financial Discipline

⁵¹ Social Welfare

⁵² Universal Declaration of Human Rights

از جمله سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه اقتصادی بانک جهانی است که دارای موافقت‌نامه با شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد^{۵۳} می‌باشد. بنابراین وفق مواد (۶۳) و (۵۷) منشور آژانس تخصصی سازمان ملل متحد^{۵۴} تلقی می‌گردد (Simma, 1994).

۴-۲- بانک جهانی و حق‌های اقتصادی و اجتماعی

هدف اصلی بانک جهانی ارائه‌ی خدمات مالی، مشاوره‌ای و تحقیقاتی به کشورهای در حال توسعه در راستای کمک به پیشرفت اقتصادی آن‌هاست و امروزه این سازمان بین‌المللی با رویکرد حقوق بشر عمدتاً تلاش‌های خود را از طرق مختلف از جمله تبیین راهبردها، دستورالعمل‌ها، کمک‌های فنی و اعتباری و ... در زمینه‌ی مبارزه با فقر در کشورهای با درآمد متوسط و درآمد پایین و ایجاد ضوابطی برای حکمرانی مطلوب معطوف نموده است.

ممکن است در ارتباط بانک جهانی با حق‌های اقتصادی و اجتماعی تردید حاصل شود زیرا بانک جهانی به لحاظ قراردادی متعهد به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌باشد اما بانک جهانی با حق‌های اقتصادی و اجتماعی و مالاً میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌خورد زیرا بانک به عنوان آژانس تخصصی سازمان ملل در خصوص حقوق مندرج در میثاق به لحاظ تعهداتی شکلی، از نقش حائز اهمیتی در اجرای آن برعهده دارد. از جمله مواد میثاق که تعهداتی برای آژانس‌های تخصصی لحاظ شده قسمت (ب) بند (۲) ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این ماده اشعار می‌دارد: «دبیر کل سازمان ملل متحد باید نسخه‌ای از گزارش‌های کشورهای را به آژانس‌های تخصصی که موضوع گزارش در حیطه صلاحیتی آنان قرار دارد، بدهد». همچنین ماده ۱۸ مقرر می‌دارد: شورای اقتصادی، اجتماعی به موجب مسؤولیت‌هایی که طبق منشور در زمینه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدان محول شده است می‌تواند ترتیباتی مقرر دارد تا آژانس‌های تخصصی در حدود فعالیت‌های مربوط به خود در زمینه پیشرفت‌های حاصل در جهت رعایت مفاد این میثاق، گزارش‌هایی را به شورا ارائه دهند. به همین ترتیب در مواد (۱۹)، (۲۰) و (۲۲) نیز در خصوص همکاری آژانس‌های تخصصی در این خصوص تصریح‌هایی وجود دارد. کمیته حقوق اقتصادی

⁵³ United Nations Economic and Social Council

⁵⁴ United Nations Specialized Agency

و اجتماعی^{۵۵} معتقد است که آژانس‌های تخصصی مقارن تلاش برای دستیابی به اهداف خود باید مفاد میثاق مذکور را در نظر بگیرند و در تفسیر کلی شماره ۲ این گونه مقرر می‌دارد: «آژانس‌های تخصصی سازمان ملل درگیر در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید حداکثر تلاش را به منظور تضمین این که اقداماتشان در تطابق کامل با برخورداری افراد از حقوق سیاسی و مدنی قرار داد، به عمل آورند. این عبارت بدین معناست که آژانس‌های تخصصی تا حد امکان باید پروژه‌ها و دیدگاه‌هایی را مورد حمایت قرار دهند که نه فقط منجر به رشد اقتصادی می‌شود بلکه موجب ارتقا و افزایش همه جانبه برخورداری از حقوق بشر شود» (general comment NO.2,1990). کمیته در تفسیر مذکور نقش حائز اهمیت آژانس‌های تخصصی علی‌الخصوص بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول^{۵۶} در خصوص اجرای هر چه بهتر مفاد میثاق را مورد تأکید قرار می‌دهد (general comment NO.2,1990). همچنین کمیته در تفسیر کلی شماره ۱۹ که در مورد حق بر تأمین اجتماعی ارائه داده بیان می‌دارد که: نهادهای مالی بین‌المللی علی‌الخصوص بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول باید حق بر تأمین اجتماعی را در سیاست‌های وام‌دهی^{۵۷}، موافقت‌نامه‌های اعتباری^{۵۸} و سیاست‌های تعدیل ساختاری^{۵۹} مورد توجه قرار دهند (Peters, 2009). بنابراین با عنایت به متن میثاق و تفاسیر متعدد کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که همواره نهادهای مالی بین‌المللی را مورد خطاب قرار داده است، باید اذعان داشت؛ آژانس‌های تخصصی و به ویژه بانک جهانی در جهت دستیابی به اهداف میثاق و اجرای تدریجی آن دارای نقش کلیدی است. این بانک علاوه بر این که دارای تعهداتی در رابطه با عدم نقض حق‌های اقتصادی و اجتماعی دارد بر مبنای پیوند حقوقی با منشور ملل متحد می‌بایست این حق‌ها را محترم شمارد. بنابراین بانک جهانی با حق‌های اقتصادی و اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارد و در زمینه تقویب کامیابی مشترک در جهت توسعه کشورها از طریق ترکیب تخصص فنی، سیاست‌های مدیریت ریسک، نظارت عمومی فعال بوده که نمونه بارز آن در حوزه مدیریت منابع عمومی، الگوی اقتصادی چارچوب

⁵⁵ Committee on Economic and Social Rights

⁵⁶ World Bank and IMF

⁵⁷ Lending policies

⁵⁸ Credit Agreements

⁵⁹ Structural Adjustment Policies

میان مدت هزینه می‌باشد که مبتنی بر نظریه حکمرانی مطلوب بعنوان یک دستورات عمل توسعه به کشورها عرضه نموده است و بموجب آن تحقق موثر مفاهیمی همچون پاسخگویی، شفافیت، عدالت اجتماعی و ... را دنبال می‌نماید.

۵- مبانی اقتصادی

۵-۱- برنامه مالی دولت در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی

برنامه مالی دولت شامل پیش‌بینی و برآورد درآمدها و دیگر منابع اقتصادی، مجموعه‌ای از سیاست‌ها و هدف‌ها، پیش‌بینی و برآورد هزینه‌ی فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های لازم برای اجرای سیاست‌ها و رسیدن به هدف‌ها، که با آرامش مناسب و منطقی سامان‌یافته به تصویب دستگاه قانون‌گذاری می‌رسد، اطلاق می‌گردد.

بدین ترتیب برنامه مالی دولت دارای سه بخش عمده است:

- ۱- درآمدها و دیگر منابع اقتصادی پیش‌بینی و برآورد شده
 - ۲- مجموعه‌ای از سیاست‌ها و هدف‌ها، همچنین فعالیت‌ها و عملیاتی مشخص برای اجرای سیاست‌ها و رسیدن به هدف‌ها
 - ۳- هزینه‌ی برآورده شده فعالیت‌های جاری و سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده است (Rahmangholizadeh, 2012).
- بنابراین تدوین، تصویب و اجراء برنامه مالی دولت بیانگر چالشی در اولویت، یا ترکیب مناسب بین چهار هدف اصلی است؛ اهداف سیاسی، اهداف پاسخ‌گویی مالی، اهداف مدیریتی، اهداف اقتصادی (Schick, 1998).

تردید نیست که توسعه امری یک بعدی نبوده و توسعه اقتصادی که سنگ بنای اولیه برای سایر عناوین توسعه نظیر توسعه اجتماعی و فرهنگی است، مستلزم سازماندهی مناسب اقتصادی می‌باشد. امری که با گزینش درست اهداف، استراتژی‌ها، رسالت‌های برنامه‌ها و طرح‌های مندرج در "برنامه مالی دولت" نهادینه می‌شود.

منطبق با اسناد بین‌المللی، ماهیت حق‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر حق داشتن غذای کافی، حق بر مسکن، حق بر کار، حق بر تأمین اجتماعی، حق بر آموزش و ... دارای پنج مشخصه منحصر به فرد می‌باشند؛ این حق‌ها در زمره تعهدات ایجابی^{۶۰}،

⁶⁰ Affirmative Obligations

هزینه بر^{۶۱}، وابسته به امکانات^{۶۲}، تدریجی^{۶۳} و برنامه‌ای^{۶۴} می‌باشند. بنابراین لازمه ایفای تعهدات دولت‌ها در زمینه تحقق حق‌های یادشده، برنامه‌ریزی و تخصیص منابع مالی است که این دو امر از طریق مکانیزم برنامه مالی دولت عملیاتی می‌گردد. عبارتی دیگر حلقه ارتباط برنامه مالی دولت با حق‌های اقتصادی و اجتماعی از این ویژگی‌های پنج‌گانه نشات می‌گیرد.

از این منظر برنامه مالی دولت که مشتمل بر مجموعه‌ای از احکام و اعداد می‌باشد، صرفاً سند دخل و خرج دولت‌ها نیست زیرا چگونگی هدایت منابع مالی و مدیریت اثر بخش و کارآمد منابع عمومی متعلق به عموم جامعه توسط دولت‌ها با تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان رابطه مستقیم دارد و مبین تحقق حکمرانی مطلوب بوده و دورنمای توسعه یک کشور است.

۵-۲- الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه (متف)

در بخش‌های قبل بیان شد؛ تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی نیازمند تدوین برنامه و البته تخصیص منابع مالی لازم به برنامه‌ها است که این مهم در برنامه مالی دولت تعیین می‌گردد. بنابراین این که منابع محدود با چه مکانیزمی به خواسته‌های نامحدود اختصاص یابد تا حقوق عامه و به عبارت بهتر حق‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان محقق گردد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با تحولات حقوق بشری در راستای ایفای تعهدات دولت‌ها در برابر شهروندان، طی هفت دهه اخیر تلاش‌های زیادی از سوی اقتصاددانان و نظریه‌پردازان به منظور طراحی شیوه‌های بهینه برای تعیین مبانی تصمیم‌گیری و تخصیص منابع محدود بخش عمومی صورت گرفته است و اخیراً الگوی اقتصادی بانک جهانی موسوم به چارچوب میان مدت هزینه ارائه گردیده که در این زمره این تلاش‌ها، قابل ارزیابی است.

چارچوب میان مدت هزینه نقش ویژه‌ای در فرآیند برنامه‌ریزی دولت‌ها و تحقق اهداف آن برنامه‌ها در جهت توسعه و کاهش فقر که رویکردی مبتنی بر تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر الزامات حقوق بین‌الملل است، ایفاء می‌نماید

⁶¹ Costly Obligations

⁶² Dependent on Facilities Obligations

⁶³ Gradual Obligations

⁶⁴ Program Obligations

از این روبه منظور تبیین چارچوب میان‌مدت هزینه (متف) در این بخش پیشینه، مفهوم، اهداف، مراحل عملیاتی شدن و نقش کارکردی آن مورد مطالعه خواهد بود.

۵-۲-۱- پیشینه الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه

اگرچه چارچوب میان‌مدت هزینه از اوایل دهه‌ی ۸۰ میلادی ارائه گردید، اقبال کشورها به آن از اواخر دهه ۹۰ میلادی آغاز شد. کشورهای OECD برای اولین بار چارچوب میان‌مدت هزینه را پذیرفتند. بخش عمده‌ای از اصلاحات مربوط به این الگوی اقتصادی در کشورهای جنوب صحرای آفریقا^{۶۵} در دهه ۱۹۹۰ صورت گرفت. کشورهای آمریکای لاتین در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ چارچوب میان‌مدت هزینه را تصویب کردند و اروپای شرقی و جمهوری‌های شوروی سابق در این روند در ۲۰۰۰ پیوستند. با این حال، کشورهای آسیایی یک الگوی تصویب واضح را نشان نمی‌دهند. در بیش از بیست سال گذشته، بیش از ۱۳۰ کشور، چارچوب‌های هزینه میان مدت را به عنوان ابزار بهبود عملکرد مالی در نظر گرفته‌اند (Grigoli, 2011). به گزارش بانک جهانی امروزه در سراسر جهان می‌توان به راحتی پیاده‌سازی این برنامه را ملاحظه نمود. این استقبال ناشی از دو دلیل بود. اول آنکه کشورهای با درآمد پایین و متوسط عمده‌تاً بدین دلیل این چارچوب را برگزیدند تا به صورت متعهدانه در بازه‌ای چند ساله منابع را به سیاست‌هایی اختصاص دهند که در اسناد راهبردی مربوط به کاهش فقر^{۶۶} درج شده‌اند و دوم اینکه، آن سیاست‌ها را به توصیه‌های ضابطه‌مند مربوط به اصلاحات بودجه‌ای اضافه کنند. بانک جهانی در بیش از نیمی از کشورهای فوق در جهت اصلاح چارچوب میان‌مدت هزینه تلاش نموده است. کشورهای با درآمد بالا از آن جهت این چارچوب را برگزیدند که اهداف بودجه‌ای خود را پشتیبانی نموده، اولویت‌بندی هزینه‌ای خود را ارتقاء داده و عملکرد دولتی بهبودیافته را ارتقاء دهند (World Bank, 2013).

۵-۲-۲- مفهوم الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه

الگوی اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه برای تعریف یک ساز و کار نهادی برای فرآیند تهیه و تصویب برنامه مالی دولت به شمار می‌رود. ماهیت چارچوب میان مدت هزینه به بیان ساده؛ طراحی یک فرآیند تصمیم‌گیری برای بخش مالی دولت

⁶⁵ Sub Saharan Africa

⁶⁶ Poverty Reduction Strategy Papers (PRSPs)

است که به موجب آن اهداف کلان نظیر رشد و ثبات اقتصادی، بهبود انضباط مالی دولت، افزایش انعطاف‌پذیری و افزایش اعتماد به تصمیمات مندرج در برنامه مالی دولت به نحو موثری در فرآیند تصمیم‌گیری انعکاس می‌یابند و میزان درآمد و منابع در دسترس دولت برای یک دوره مشخص - به عنوان مثال دوره قانونی یک دولت- پیش‌بینی می‌شود و بطبع در این دوره نیز عملکرد دولت قابل ارزیابی است. در همین چارچوب اهداف بخش‌های مختلف اقتصادی در درون این بخش‌ها تضمین و اولویت‌بندی می‌گردد و در همین حال هزینه‌های مختلف تحقق اهداف نیز پیش‌بینی می‌شود و سرانجام اهداف مورد توافق بر اساس اولویت و با توجه به محدودیت منابع در برنامه مالی دولت انعکاس می‌یابد.

بطور خلاصه این الگوی اقتصادی، رویکرد نوین مدیریت مالی بخش عمومی است که هدف اصلی آن انضباط مالی در سطح کلان، کارایی تخصیصی^{۶۷} و کارایی فنی^{۶۸} و رفع از هم‌گسستگی بین برنامه ریزی، سیاست‌گذاری و برنامه مالی دولت می‌باشد. اهدافی که رویکرد سنتی در تهیه و تنظیم برنامه مالی دولت، در کشورهای مورد استفاده با وجود نوسان و بی‌ثباتی در هزینه‌ها و کسری اعتبار، عدم تحقق منابع، عملکرد ضعیف طرح‌های سرمایه‌ای، بی‌انضباطی مالی و ... موفقیت‌چندانی در تأمین آن‌ها نداشته و بنابراین رشد اقتصادی و تحقق شاخص‌های کلان اقتصادی که نتایج آن افزایش سطح استاندارد زندگی و مالاً تحقق موثر حق‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان می‌باشد با ابهام روبرو است.

۵-۲-۳- اهداف الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه

گفته شد؛ الگوی اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه موسوم به متف^{۶۹} رویکرد نوین مدیریت مالی بخش عمومی است که هدف اصلی آن انضباط مالی در سطح کلان، کارایی تخصیصی و کارایی فنی و رفع از هم‌گسستگی بین برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و برنامه مالی دولت می‌باشد بنابراین بطور کلی می‌توان اهداف متف را در سطح کاربردی شامل موارد زیر دانست:

۱. بهبود توازن اقتصاد کلان از طریق گسترش یک چارچوب واقعی و سازگار برای منابع،

⁶⁷ Allocation Efficiency

⁶⁸ Technical Efficiency

⁶⁹ MTEF

۲. بهبود تخصیص منابع به اولویت‌های راهبردی بین و درون بخش‌ها،
۳. افزایش التزام به اجرای سیاست‌ها و تأمین مالی آن‌ها به گونه‌ای که برنامه‌ها تداوم یافته و پایداری آن‌ها تضمین شود،
۴. ایجاد محدودیت اعتباری سخت برای دستگاه‌های اجرایی از یک طرف و اعطای آزادی عمل بیش‌تر در داخل این محدودیت بمنظور افزایش انگیزه‌ها برای استفاده کارا و اثربخش منابع (World Bank, 1998).

۵-۳-۳- مراحل عملیاتی شدن (متف)

تهیه و اجرای MTEF از طریق یک فرایند برنامه‌ریزی راهبردی یکپارچه از بالا به پایین و از پایین به بالا صورت می‌گیرد که شامل هفت مرحله اصلی است که هر یک از مراحل، خوراک مرحله بعدی را تأمین می‌کند.

۵-۳-۱- چارچوب اقتصاد کلان

فعالیت کلیدی این مرحله تحلیل و مدل‌سازی کلان است که مرحله‌ای حیاتی برای دستیابی به انضباط مالی کلان محسوب می‌شود. این مرحله اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری را با توجه به محدودیت‌ها و شرایط اقتصاد کلان فراهم می‌آورد. ناسازگاری بین برنامه‌ریزی و اختصاص منابع مالی وقتی رخ می‌دهد که تصمیمات، با توجه به محدودیت منابع کل یا هزینه‌های پیش‌رو اتخاذ نمی‌گردد در این رابطه پیش‌بینی یک مدل می‌تواند استفاده‌های گوناگون از منابع را به تصویر کشیده و انتخاب صحیح را مشخص کند و فرایات نهفته درباره اولویت‌ها را آشکار سازد (World Bank, 2013).

۵-۳-۲- متف بخشی

این مرحله می‌تواند به موازات مرحله اول اجرا گردد و یک فرایند بررسی بخشی است که در آن در مورد اهداف و فعالیت‌های وزارتخانه‌ها و بخش‌ها توافق به عمل آمده و سپس هزینه‌های آن‌ها تعیین می‌شود. فرایند متف بخشی شامل سه گام است: ۱. توافق بر اهداف، فعالیت و ستاده‌ها، ۲. مرور و توسعه برنامه‌ها و زیربرنامه‌های مورد توافق و ۳. تعیین هزینه برنامه‌های مورد توافق. بعد از آن که وزارتخانه‌ها اهداف، فعالیت‌ها و ستاده‌هایشان را مورد بررسی قرار دادند و هزینه برنامه‌ها و زیربرنامه‌هایشان تعیین شد باید اولویت‌بندی شوند تا هزینه‌های برنامه‌ها با منابع قابل دسترس تطبیق یابند (World Bank, 2013).

۵-۳-۳- توافقی بر اهداف و اولویت برنامه‌ها

در این مرحله یک سری جلسات بین وزارت مالیه و وزارتخانه‌های بخشی صورت می‌گیرد تا خروجی‌های مرحله دوم (متف بخشی) بازنگری شود.

۵-۳-۴- تعیین چارچوب هزینه‌ها به صورت تفصیلی و تعیین سقف‌های هزینه وزارتخانه و بخش‌ها

با بهره‌گیری از خروجی مرحله اول (چارچوب اقتصاد کلان) و مرحله دوم و سوم (متف بخشی)، در این مرحله وزارت مالیه یک چارچوب هزینه‌ها راهبردی را تهیه می‌کند. این چارچوب، تحلیل هزینه-فایده تصمیمات مشخص شده، تأمین مالی بین و درون بخش‌ها را امکان‌پذیر ساخته و پایه‌ای برای تعیین سقف هزینه‌های بخشی برای سال‌های پیش‌رو است. این چارچوب باید یک چارچوب زمانی میان مدت (سه تا پنج سال) را پوشش داده و باید شامل موارد آتی نیز باشد: ۱- اهداف عمده سیاستی و نقش دولت در اقتصاد، ۲- ضرورت انضباط در مدیریت اقتصاد کلان، ۳- اهدافی برای ارقام عمده منابع و هزینه‌های عمومی، ۴- فرایندهایی برای تعیین و بازنگری چارچوب هزینه‌ها و ۵- مسئولیت‌ها و وظایف دستگاه‌های کلیدی (World Bank, 2013).

۵-۳-۵- تصویب سقف‌های بودجه توسط کابینه

این مرحله، مرحله‌ای مهم از فرایند متف است. در این مرحله، بدنه اصلی تصمیم‌گیری در دولت، منابع بخشی میان مدت را بر مبنای اولویت‌های بین بخشی و امکان پرداخت، تخصیص می‌دهند. این کار با تعریف پوشش منابع بخشی و سقف‌های اعتبار برای سه یا پنج سال آینده صورت می‌گیرد. پوشش منابع بخشی از بالا به پایین با یک افق میان مدت، مبنایی برای پیش‌بینی هستند آن چنان که به وسیله آن می‌توان تصمیمات عملیاتی کارا و راهبردی مناسب بخشی را اتخاذ و اجرا کرد. محدودیت و انضباط در تعریف پوشش منابع بخشی، پیش‌بینی‌پذیری جریان‌های منابع بخشی را افزایش داده و در نتیجه کارایی عملیاتی را افزایش می‌دهد. پوشش‌های منابع بخشی می‌توانند از یک سقف کلان ثابت برای هزینه‌های دولت در طی یک دوره میان مدت مشتق شده و مشتمل بر تقسیم‌بندی بین هزینه‌های اجباری و هزینه‌های اختیاری و هزینه‌های پیش‌بینی نشده به صورت بخش شکسته شود (World Bank, 2013).

۵-۳-۶- تهیه تخمین‌های چند ساله توسط وزارتخانه‌ها در داخل سقف‌های مصوب کابینه

در این مرحله، وزارتخانه‌ها تخمین‌های بودجه‌ای را مورد بازنگری قرار می‌دهند تا آن‌ها را با سقف‌های مصوب تنظیم کنند.

۵-۳-۷- بازنگری تخمین‌ها در خزانه‌داری و ارائه به کابینه و مجلس

برآوردهای بودجه وزارتخانه‌ها که مورد بازنگری قرار گرفته، دوباره توسط وزارت مالیه مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد و برای تصویب به کابینه و پارلمان ارائه می‌شوند (World Bank, 2013).

۶- جنبه تمایز و نوآوری پژوهش

از آنجاکه هدف اصلی این پژوهش تبیین و واکاوی الگوی اقتصادی متف است لذا روش تحقیق مورد استفاده مبتنی بر روش‌های استنباطی و بهره‌گیری از الگوی اقتصادسنجی نمی‌باشد زیرا این پژوهش به دنبال بررسی نحوه اثرگذاری متغیرهای اقتصادی بر متغیر وابسته نمی‌باشد لذا روش مورد استفاده بهره‌گیری از تجربیات کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و نوظهور می‌باشد. بنابراین جنبه تمایز و نوآوری این مطالعه (نقش متف در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی) در مقایسه مطالعات پیشین عدم مطالعه مستقیم در این حوزه و بهره‌گیری از تجربیات کشورها در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. اساساً برنامه مالی دولت در ایران بر پایه الگوی افزایشی بوده و حتی بصورت عملیاتی نیز اجرا نشده و این تحقیق نیز در پی مقایسه آن با این الگوی اقتصادی نیست. لذا نوآوری این پژوهش در عنوان و رویکرد مورد استفاده می‌باشد.

۷- تجربیات کشورها در اجرای چارچوب میان مدت هزینه

همانگونه که تشریح گردید الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه به دنبال مدیریت بهینه منابع عمومی بعنوان راه کار اساسی بهبود اقتصاد کلان به منظور تمهید ایفای تعهدات دولت‌ها در زمینه حق‌های اقتصادی و اجتماعی است. تردیدی نیست اثرگذاری این الگو اقتصادی در زمینه تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی وابسته به میزان پایبندی دولت‌ها به اجرای آن است. بنابراین به‌عنوان نمونه تجربیات اجرای این الگو اقتصادی در کشورهای منتخب شمال و جنوب شامل

آلمان^{۷۰}، کره جنوبی^{۷۱}، ویتنام^{۷۲} و آفریقای جنوبی^{۷۳} مورد بررسی قرار می‌گیرد. دلیل دلیل انتخاب این کشورها بررسی اجرای الگوی میان مدت هزینه در کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و نوظهور می‌باشد.

۷-۱- اجرای چارچوب میان مدت هزینه در آفریقای جنوبی

آفریقای جنوبی در گذشته با وجود نظام آپارتاید^{۷۴} در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی مالی دارای نقصان‌های متعددی بود که از نتایج آن می‌توان به درجه بالای فساد مالی، نابرابری قابل ملاحظه شهروندان در ثروت، درآمد و دستیابی به خدمات عمومی اشاره کرد. بنابراین بعد از یک دوره گذار مدیریتی، چارچوب میان مدت هزینه به‌عنوان قسمتی از یک بسته بزرگ اصلاحات بودجه در سطح دولت مرکزی و استان‌های آفریقای جنوبی ارائه شد. خزانه‌داری ملی آفریقای جنوبی به دنبال رفع ضعف‌های سیستم تدوین برنامه مالی دولت به شیوه سنتی بود؛ این سیستم سنتی دارای ضعف‌های اساسی بود: اول این‌که، به برنامه‌ریزی به‌عنوان یک فرایند سیاسی و به برنامه مالی دولت صرفاً به‌عنوان یک کار فنی نگریسته می‌شد. دوم اینکه هزینه سیاست‌ها به‌طور دقیق برآورد نمی‌گردید و تخصیص‌ها بدون توجه در مورد اثر بخشی آن‌ها در تحقق اهداف بلندمدت بخش‌های برنامه مالی دولت صورت می‌پذیرفتند سوم اینکه فعالیت‌ها علی‌رغم اینکه ضروری بودن و کارایی آن‌ها به اثبات نرسیده بود بدون ارزیابی مجدد همچنان در لیست هزینه‌های برنامه مالی دولت قرار داشتند. بنابراین آفریقای جنوبی با مشکلات ذاتی برنامه مالی دولت از قبیل کسری منابع مالی در حال افزایش، ارائه خدمات ضعیف به شهروندان و فقدان شفافیت و عدم پاسخگویی دولت مردان مواجه بود. خزانه‌داری ملی آفریقای جنوبی بر مبنای الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه پس از سال‌ها تمرین توانست یک برنامه منسجم و دقیق از اصلاحات مالی را طرح‌ریزی و اجرا نماید. نتایج اجرای الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه در آفریقای جنوبی آن بود که این کشور تمامی اهداف سیاست مالی دولت (تعادل بین هزینه‌ها، درآمدها و کسری بودجه) و اهداف سیاست بودجه‌ای (ارتباط بین تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌ها و اولویت‌های

⁷⁰ Germany

⁷¹ South Korea

⁷² Vietnam

⁷³ South Africa

⁷⁴ Apartheid

سیاستی) برای سنوات آینده را ارائه نمود بنابراین توانست از طریق بهبود کارایی تخصیص منابع و پیوند برنامه‌ریزی‌های اقتصادی اجتماعی با برنامه مالی دولت ضمن ارتقاء شاخص‌های اقتصاد کلان و بازپرداخت بدهی سنگین گذشته، انتظارات اکثریت شهروندان در گستره نیازهای اقتصادی و اجتماعی را تأمین نماید. اجرای این الگو اقتصادی در آفریقای جنوبی امکان دستیابی به اهداف برنامه توسعه و بازسازی و فرصت حضور در اقتصاد جهانی را برای این کشور فراهم نمود (Review of Public Expenditure Management in Sub-Saharan Africa, 2007)

۷-۲- اجرای چارچوب میان مدت هزینه در کره جنوبی

مسائل سیاسی ناگهانی در کره جنوبی مانند افزایش بدهی‌های دولتی، جمعیت سالمندان و افزایش هزینه‌های رفاهی اجتماعی، نیاز به دیدگاه‌های بلند مدت داشتند که روند سنتی تهیه و تدوین برنامه مالی دولت به راحتی نمی‌توانست دولت را در مقابله با بحران مالی یاری دهد. این مسائل به‌ویژه پس از بحران مالی آسیا^{۷۵} در اواخر دهه ۱۹۹۰ برجسته شد. رهبران جدید کره جنوبی اعتقاد داشتند، برای به دست آوردن تعادل مالی نیاز به ایجاد یک چارچوب میان مدت هزینه است. بنابراین به منظور ایجاد تعادل مالی به شیوه‌ای معقول دو تلاش عمده در تحقق چارچوب میان مدت هزینه قبل از سال ۲۰۰۳ در کره جنوبی رخ داد یکی در سال ۱۹۹۷ و دیگری در سال ۲۰۰۱ با این حال موفق نبود زیرا نتایج پژوهش با موضوع دستیابی به اصلاحات چارچوب هزینه‌های میان مدت نشان داد: برای اجرای این الگو اقتصادی، حمایت سیاسی قوی از تصمیم‌گیرندگان، ایجاد چارچوب پایدار و بازسازی سازمانی اهمیت دارد. با این حال این تلاش‌های اولیه به عنوان موفقیت جزئی برای اصلاح آینده قابل ارزیابی است. سرانجام چارچوب میان مدت هزینه به عنوان بخشی از یک بسته اصلاحات در کره جنوبی در سال ۲۰۰۶ به عنوان برنامه مدیریت مالی ملی معرفی شد. هر برنامه مدیریت مالی ملی در کره جنوبی شامل پنج سال می‌شود؛ یعنی سال جاری و چهار سال دیگر. این یک برنامه غلتان است که هر سه ساله تجدید نظر می‌شود. این شامل دو بخش اصلی است: سیاست مالی کلان و سیاست مالی بخش. سیاست مالی کلان شامل پیش‌بینی هزینه‌ها، درآمدها و بدهی‌ها می‌شود. سیاست مالی بخش، شامل سیاست عمده و دستورالعمل و

⁷⁵ Asian Financial Crisis

تخصیص منابع مالی در هر بخش است. نتایج اجرای الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه در کره جنوبی حاکی از این است که دستیابی به برنامه‌ها و اهداف مالی، در مقایسه با سایر کشورها، به‌طور فزاینده‌ای محقق شده است به‌نحوی که میزان انطباق عملکرد هزینه‌ای وزارتخانه‌ها از ۷۲/۷ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۷۹/۵ درصد در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است همچنین اختلاف بین پیش‌بینی‌ها و عملکرد برنامه مالی دولت طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۱ تنها ۱/۱۶ درصد بوده بنابراین برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی تعیین شده در برنامه مالی دولت با درصد بالایی محقق شده است (Choi & Park, 2013).

۷-۳- اجرای چارچوب میان مدت هزینه در آلمان

پس از اصلاحات اقتصادی سال ۱۹۶۹ تهیه و تدوین برنامه مالی دولت در آلمان به شکل میان مدت پایه‌گذاری شد و زمینه‌ساز تحولی بزرگ در اقتصاد آلمان گردید. چارچوب میان مدت هزینه، شکلی استاندارد برای نظام تهیه و تدوین برنامه مالی دولت در آلمان ایجاد کرد. دوره برنامه مالی آلمان پنج سال است و برای ۱۱۰۰ ردیف درآمدی و ۵۳۰۰ ردیف هزینه‌ای پیش‌بینی‌هایی صورت می‌پذیرد و شورای برنامه‌ریزی دولت وظیفه هماهنگی بین برنامه مالی سال فعلی و سال‌های مورد پیش‌بینی را برعهده دارد.

تجربیات حاصل از اجرای چارچوب میان مدت در آلمان بیانگر آن است که این رویکرد ابزاری مفید برای از بین بردن هزینه‌های غیرمولد در بودجه تبدیل شد بنابراین بر پایه تنظیم مسئولانه سیاست‌های مالی یک سیاست مالی متعادل برای تحقق برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفت. چارچوب میان مدت هزینه در آلمان ثابت کرد این الگو اقتصادی یک ابزار موثر برای دستیابی به یک سیاست مالی پایدار است زیرا در این الگو هر یک از عناوین درآمد و هزینه در ابتدای فرایند آماده‌سازی برنامه مالی دولت با در نظر گرفتن ریسک‌های احتمالی در طول سال‌های آینده همواره مورد بازبینی قرار می‌گیرند بنابراین دولت آلمان می‌تواند برای ارزیابی درآمد و هزینه‌های آینده تصویری دقیق دریافت کند تا در رابطه با ایفای تعهداتی است که به‌موجب قواعد پذیرفته شده بین‌المللی بر عهده دارد موفق‌تر عمل نماید (World Bank and Korea Development Institute, 2004).

۷-۴- اجرای چارچوب میان مدت هزینه در ویتنام

ایده استفاده از الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه، ابتدا در کشورهای که از بدهی‌های سنگین دولت رنج می‌بردند، طراحی شده بود با این حال کشورهای متعددی در سراسر جهان برای کنترل رشد هزینه‌ها اصلاحات قابل توجهی در فرایند برنامه مالی دولت ایجاد کرده و الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه را به صورت رسمی و شفاف تصویب کرده‌اند تا سیاست‌های مالی پایدارتر شود. بنابراین ویتنام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و ضعف در جریان سیستم‌های مربوط به برنامه مالی دولت در آن وجود داشته است و از اوایل دهه ۱۹۹۰ به اصلاحات اقتصادی دست زده و الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه را بصورت تلفیقی در بخش آموزش، بهداشت و درمان، کشاورزی، حمل و نقل با تأکید بر انضباط مالی اجرا نمود و هم‌اینک در اثر اجرای این الگو، به‌عنوان یک اقتصاد نوظهور به سمت توسعه حرکت می‌نماید.

نتایج استفاده از الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه در ویتنام نشان داد که این الگو اقتصادی می‌تواند به صورت غیرمستقیم هزینه‌های عمومی را مدیریت نماید، ضعف سیستم برنامه مالی سالانه را مشخص و آنها را اصلاح نماید. همچنین الگو اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه با بهبود ثبات اقتصاد کلان از طریق نظم و انضباط مالی، تخصیص منابع مالی بین استان‌ها و بین بخش‌ها با اولویت‌بندی مؤثر به برنامه‌های اجتماعی، یک راه حل امیدوارکننده، مؤثر و کمک خواهد بود و در نهایت این الگو سبب پاسخگویی شفاف‌تر شده و شهروندان خدمات بهتر و باکیفیت‌تری دریافت می‌نمایند (Heikki, & Nguyen, 2012).

۸- نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها سیاستی

تحول شگرف حقوق بین‌الملل در حوزه حقوق بشر در قرن بیستم مرهون متغیرهای گوناگونی بوده؛ تحولات اقتصادی جوامع اروپایی از قرن هجدهم تا گسترش سازمان‌های بین‌المللی بویژه پس از عهدنامه ورسای تاکنون، گسترش دموکراسی خواهی از دهه ۱۹۷۰ به بعد و امروزه به رسمیت شناخته شدن حق دادخواهی از تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی از مراجع ملی و بین‌المللی که همه این تحولات مبین عصر جدیدی در رویکرد حقوق بین‌الملل به تکالیف دولت‌ها در تحقق حق‌های اقتصادی و اجتماعی است.

واقعیت جهان معاصر دلالت بر آن دارد که امروزه در بسیاری از کشورها

شهروندان با پدیده فقر روبرو هستند فقر از یک طرف به معنای گرسنه بودن، فقدان مسکن و پوشاک مناسب، بیماری و عدم مراقبت، بی‌سوادی و فقدان سیستم آموزش است و از سویی دیگر مردم فقیر در شرایط نامساعد خارج از کنترل شان به سربرده و آسیب پذیرند. این افراد به طور دایم یا ادواری از منابع، توانمندی‌ها و اختیار لازم جهت بهره‌مندی از استانداردهای لازم زندگی و دیگر حق‌های اقتصادی، اجتماعی محرومند. برای هیچ دولتی، صرفنظر از اینکه تا چه حد فقیر باشد حقی برای محروم کردن شهروندان خود از تحقق کامل حق‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از سوء مدیریت و اقتصاد نامعقول وجود ندارد زیرا حق‌های اقتصادی و اجتماعی بر پایه قواعد لازم الاجرا حقوق بین‌الملل و قواعد بین‌المللی عرفی همچون اصول، اهداف و مفاد منشور ملل متحد از مقولاتی هستند که دولت‌ها متعهد به تضمین این حق‌ها هستند اما بموجب این تحقیق به این حقیقت رهنمون شدیم که الگوی اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه از منظر حقوق بین‌الملل در قالب حقوق نرم قابل ارزیابی بوده لیکن دولت‌ها بر اساس نظم هنجاری ناشی از حقوق بشر غایت‌گرا بدان ملتزم هستند زیرا فقر مغایر حقوق بشر بوده و کرامت انسانی را نقض می‌کند و راه‌گریز از آن در گام اول؛ اتخاذ سیاست‌های اقتصادی سالم و شفاف، سرمایه‌گذاری‌های عمومی مناسب و توسعه همه‌جانبه به ویژه در مسائل مربوط به آموزش، بهداشت، سلامت، زیرساخت‌ها، توسعه بخش کشاورزی، ایجاد فرصت‌های بیشتر برای کار آبرومند، مدیریت درست امور اداری، حمایت از حقوق بنیادین بشری و... که همگی در گرو مدیریت صحیح منابع عمومی در اختیار دولت‌ها است.

نتایج پژوهش در خصوص معرفی (متف) بیانگر این است که چارچوب میان مدت هزینه، بین دو مولفه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی با «برنامه مالی دولت» یک چارچوب ارتباط‌دهنده ایجاد می‌نماید این در حالی است که غالب الگوهای ارایه شده در رابطه با برنامه مالی دولت فاقد این سیستم ارتباط‌دهنده هستند مضاف به اینکه (متف) بر تنظیم برنامه مالی دولت در یک چارچوب مالی کلان چندساله متمرکز است. همچنین نتایج اجرای الگوی اقتصادی چارچوب میان مدت هزینه حاصل از تجربیات کشورهای منتخب (منوط به حمایت سیاسی)؛ حاکی از ثبات اقتصاد کلان، بهبود کارایی تخصیص منابع، پیوند برنامه‌ریزی‌های اقتصادی اجتماعی با برنامه مالی دولت، شفافیت اقتصادی، پاسخگویی دولت‌مردان، عدالت اجتماعی و

انطباق مالی است. لذا می‌توان استدلال نمود این الگو بهترین و اثرگذارترین مکانیسم حرکت اقتصادی دولت‌ها در مسیر حق‌های اقتصادی و اجتماعی است.

قدردانی: از تمامی افرادی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.

Acknowledgments

Acknowledgments may be made to individuals that have made an important contribution.

تضاد منافع: نویسنده مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافی وجود ندارد.

Conflict of Interest

The authors declare no conflict of interest.

References

- Annan, K. A. (2005). *In larger freedom: towards development, security and human rights for all*.
- Brumby, J., Biletska, N., Grigoli, F., Hemming, R., Kang, Y. K., Lee, J. W., & Verhoeven, M. (2013). *Beyond the annual budget: global experience with medium-term expenditure frameworks*.
- Brundtland, G. H. (1987). World commission on environment and development. *Our common future*, 17, 43-66.
- Choi, J. Y., & Park, N. (2013). *Achieving medium term expenditure framework reform: A case study of Korea*. The World Bank.
- Elias, T.O. (1972). *Modern Sources of international law*, intransnational law in changing society, Colombia University press.
- Farzaneh, Y. (2015), *The Humanization of International Law in the Lights of Responsibility of Protect*, Tehran: Mizan Publications. (In Persian)
- Grigoli, F. (2011). *Essays on development economics* (Doctoral dissertation, Università degli Studi dell'Insubria).
- Holmes, M., & Evans, A. (2003). A review of experience in implementing Medium Term Expenditure Frameworks in a PRSP context: a synthesis of eight country studies. *London: Overseas Development Institute*.
- Naderi, A. (2014). Education and Economic Growth in Iran: A Fundamental Evaluation of the Effects of Theoretical and Methodological Challenges, *the Journal of Planning and Budgeting*, 19 (3), 93-130. (In Persian)
- Nguyen, L. T. N. (2012). *Medium-Term Expenditure Frameworks: The Application of Medium-Term Expenditure Framework for Budgeting in Sonla Province of Vietnam* (Master's thesis).
- Pieters, D. (2006), *Social Security: an Introduction to the Basic Principles*, Translated by Firrozimandy, F. & Ahmadi, S., Institute of Legal Studies and Research, Danesh City, Tehran. (In Persian)
- Rahmangholizadeh, E (2012), *Budgeting system in Iran*, Tehran: Chapar Publications. (In Persian)
- Report of the Secretary-General on globalization and its impact on the Full enjoyment of all human rights, 2000, retrieved, on 24 January 2019, <http://www.UN.Org/documents/ga/docs/55/a55342.pdf>
- Review of Public Expenditure Management in Sub-Saharan Africa, March (2007)
- Schermers, H. G. (1983). *International organizations as members of other international organizations*.
- Schermers, H. G., & Blocker, N. (2001). *Intenational situational law*, 3rd.ed.rev. The Hague, nijh off.

- Schick, A. (1998). *A Contemporary Approach to Public Expenditure Management*, World Bank Institute.
- Schrijver, Nico J., & Friedl Weiss. (2004). *International law and sustainable development: principles and practice*. Vol. 51. Martinus Nijhoff Publishers.
- Sengupta, A., Negi, A., & Basu, M. (Eds.). (2005). *Reflections on the Right to Development*. Sage.
- Session, S. W. (1987). World commission on environment and development. *Our Common Future; WCED, Ed.; Oxford University Press: Oxford, UK*.
- Simma, B. (Ed.). (1995). *The charter of the United Nations*. OUP.
- Stokke, H., & Tostensen, A. (1999). *Human rights in development yearbook 1998: Global perspectives and local issues*. Martinus Nijhoff Publishers.
- The World Bank and Korea Development Institute Conference Proceedings (March 2004) 57, p.85—92
- United Nations Declaration on the Right to Development, Article 1, Retrived on 2 January 2019 from: <http://www.ipu.org/splz-e/unga14/rtd.pdf>
- Vjeh, M. R. Ketabi Roudi, A. (2018), Developing the Social Security Rights in the Context of the Right to Development, *Journal of Iranian Social Development Studies*, 10 (1), 7-23. (In Persian)
- Williamson Gray, C. World Bank. Poverty Reduction, & Economic Management. (1998). *Public expenditure management handbook*. World Bank Publications.
- Ziai Bigdeli, M. R. (2007), *Public International Law*, Tehran: Gangedanesh Publications. (In Persian)

Sites:

- www.ila-hq.org
- www.miga.org
- www.worldbank.org
- <https://www.africaportal.org>



© 2020 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran.

This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).